



محیط
زیست

علوم محیطی سال هفتم ، شماره دوم، زمستان ۱۳۸۸
ENVIRONMENTAL SCIENCES Vol.7, No.2 , Winter 2010

۷۷-۹۴

حمایت کیفری از گونه‌های جانوری در ایران

محمد حسین رضانی قوام آبادی*

گروه حقوق محیط زیست، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی

The Protection of Animal Species under Criminal Law in Iran

Mohammad Hossein Ramazani Ghavamabadi*

Department of Environmental Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, G.C. Campus, Tehran.

Abstract

Environmental components, including animal species, simply cross political boundaries and, in other words, animal species do not recognize borders. For this reason, the most important methods applied by international instruments to protect these species and their habitats are reviewed in this article. In the second half of the 20th century, numerous international texts have been adopted, especially aimed at ensuring the protection of species and habitat of wildlife. The *Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora* or CITES (also known as the Washington Convention) of 1973 is one of the most important international conventions on the protection of animal species. In parallel with these international developments, various national legislative systems have been adopted different regulations for the protection of animal species. The diversity of rules in different countries clearly shows the approach of each State with regard to infringements committed against animals. In Iranian law, as many other countries, several legislative provisions in respect of animal species have been adopted. In this work, we will only address the criminal law as it relates to the Iranian Law of Hunting and Fishing as *lex specialis* and the Iranian Penal Code as *lex generalis*. The choice of the provisions mentioned is not by chance since not only are they relatively broad in scope but also they are the laws in force in this area.

Keywords: Criminal protection, Sanctions, Animals, Hunting, Environment.

چکیده

عناصر زیست محیطی از جمله گونه‌های جانوری به سادگی مرزهای سیاسی را در می‌نوردند؛ به عبارت دیگر این گونه‌ها مرز نمی‌شناسند. همین عامل سبب شده تا اسناد بین‌المللی مهم‌ترین وسیله جهت حفاظت از این گونه‌ها و زیستگاه‌های آن‌ها تلقی شود. به همین منظور اسناد متعدد بین‌المللی در خصوص تضمین حفاظت از گونه‌های وحوش و زیستگاه‌های آنها در نیمه دوم قرن ۲۰ تنظیم گردید. کنوانسیون مربوط به تجارت بین‌المللی گونه‌های جانوری و گیاهی وحشی در معرض انقراض یا سایتس (معروف به کنوانسیون واشنگتن، ۱۹۷۳)، یکی از مهم‌ترین کنوانسیون‌های بین‌المللی در خصوص حفاظت از گونه‌های جانوری است. به موازات این تحولات در سطح بین‌المللی، حقوق داخلی کشورهای مختلف نیز اقدام به تدوین قوانین و مقررات گوناگون در جهت حفاظت از گونه‌های جانوری کرد. تنوع مقررات موضوعه کشورها در خصوص برخورد با ضرب و شتم‌های ارتكابی نسبت به جانوران بیانگر نوع نگاه مقنن آن کشور به مسئله محیط‌زیست می‌باشد. در حقوق ایران همانند بسیاری از کشورهای جهان، مقررات مختلفی نسبت به حفاظت از گونه‌های جانوری تصویب شده است. در این تحقیق، ما تنها به مقررات کیفری ایران با توجه به دو قانون شکار و صید به عنوان قانون خاص و قانون جزا به عنوان قانون عام می‌پردازیم. انتخاب این دو قانون اتفاقی نیست، زیرا این دو قانون دامنه‌ی نسبتاً گسترده‌ای دارند و از جمله مهم‌ترین مقررات لازم الاجرا در حوزه مزبور محسوب می‌شوند.

کلید واژه‌ها: حمایت کیفری، مجازات، جانوران، شکار، محیط زیست.

* Corresponding author. E-mail Address: ramazanighavam@yahoo.com

مقدمه

حفاظت از گونه‌های جانوری از قدیم الایام مورد توجه بوده است. دو عامل حفظ میزان گونه‌های شکاری در طبیعت و گونه‌های مفید برای کشاورزی از جمله عوامل موثر در حفاظت از گونه‌های جانوری محسوب می‌شوند؛ اما گسترش جمعیت، تصرف و بهره‌برداری از آخرین سرزمین‌های بکر، پیشرفت فنون بهره‌برداری از منابع طبیعی، توسعه جهانگردی و اشتهای بیش از حد بعضی از مجموعه داران، موقعیت نابسامانی برای گونه‌های جانوری ایجاد کرده است.

فهرست قرمز اتحادیه بین‌المللی برای حفاظت از طبیعت، منبع معتبری است که اطلاعات جامعی در خصوص وضعیت گونه‌های مختلف در جهان در اختیار ما می‌گذارد و به طور منظم هر ساله توسط این سازمان غیر دولتی تهیه می‌شود. فهرست یاد شده بر معیارهای مربوط به خطرات انقراض گونه‌های مختلف در کل جهان تاکید دارد و مبتنی بر داده‌های علمی است و حاکی از وضعیت موجود تنوع بیولوژیک در جهان می‌باشد. هدف اصلی از تهیه آن، همانا بسیج افکار عمومی و تنویر اذهان مسئولین تصمیم گیرنده در سطح ملی و بین‌المللی است (Kiss and Beurier, 2004).

فهرست قرمز اتحادیه مزبور، در سال ۲۰۰۷، ۴۱۴۱۵ گونه را ثبت کرده است که از این تعداد ۱۶۳۰۶ گونه در معرض انقراض قرار دارند که عبارتند از: ۲۲ درصد از پستانداران، ۱۲ درصد از پرندگان، ۳۰ درصد از خزندگان، ۳۱ درصد از دوزیستان و ۳۹ درصد از ماهیان در خطر هستند^۱.

(www.iucnredlist.org, consulté le 15 janvier, 2008)
از آنجا که گونه‌های جانوری مرز نمی‌شناسند؛ اسناد بین‌المللی مهم‌ترین وسیله جهت حفاظت از این گونه‌ها و زیستگاه‌های آن‌ها خواهد بود. به همین منظور اسناد متعدد بین‌المللی در خصوص تضمین حفاظت از

گونه‌های وحش و زیستگاه‌های آنها در نیمه‌ی دوم قرن ۲۰ تنظیم گردید. کنوانسیون مربوط به تجارت بین‌المللی گونه‌های جانوری و گیاهی وحشی در معرض انقراض یا سایتس مصوب ۱۹۷۳، یکی از مهم‌ترین کنوانسیون‌های بین‌المللی در خصوص حفاظت از گونه‌های جانوری است (Habibi, 2005).

این کنوانسیون بیشتر با علامت اختصاری (CITES) یا کنوانسیون واشنگتن شناخته می‌شود.^۲ کنوانسیون مزبور، به دنبال تصویب قطعنامه مجمع عمومی اتحادیه بین‌المللی برای حفاظت از طبیعت در سال ۱۹۶۳ تدوین شد و متن نهایی آن در ۳ مارس ۱۹۷۳ توسط ۸۰ کشور به تصویب رسید و از اول ژوئیه ۱۹۷۵ نیز لازم الاجرا گردید؛ و لازم به ذکر است که دولت ایران از تاریخ سوم اوت ۱۹۷۶ به عضویت کنوانسیون مزبور در آمده است. هدف اصلی این کنوانسیون حفاظت از گونه‌های نادر و حفاظت از زیستگاه آن‌ها است. ضرورت وجود یک کنوانسیون در زمینه انتشار اطلاعات گسترده در مورد جلوگیری از انقراض گونه‌هایی نادری هم‌چون پلنگ و فیل از همان ابتدا آشکار گشت^۳. به طور کلی تجارت گونه‌های وحشی و مشتقات حاصله از این گونه‌ها سالانه میلیاردها دلار را به خود اختصاص می‌دهد

(www.cec.org/files/PDF/LAWPOLICY/Illegal-Trade-Wildlife_fr.pdf, consulte le 15 janvier, 2008)

که این امر سبب به خطر انداختن جان میلیون‌ها گونه گیاهی و جانوری در جهان می‌شود. تجارت این گونه‌ها از تنوع زیادی برخوردار است، به نحوی که از گیاهان و حیوانات زنده گرفته تا محصولات مشتقه از آن، مواد غذایی و درمانی، وسایل و ابزار موسیقی و تزئینی جزء این تجارت قرار می‌گیرد. در همین راستا ارزیابی پلیس بین‌الملل حایز اهمیت است، زیرا این سازمان قاچاق غیر قانونی گونه‌های وحشی را در مقام سوم یعنی بعد از

قاچاق مواد مخدر و قاچاق اسلحه قرار می‌دهد.

(www.cec.org/files/PDF/LAWPOLICY/Illegal-Trade-Wildlife_fr.pdf, consulte le 15 janvier 2008 et Commission de coopération environnementale, Le commerce illégal d'espèces sauvages - la perspective de l'Amérique du Nord, 2005 : 8)

به طور کلی، رویکرد دولت ایران نسبت به تعهدات بین‌المللی خود در حوزه‌ی محیط‌زیست، چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب، مناسب ارزیابی می‌شود. در واقع، این ارزیابی مثبت، ناشی از مقایسه‌ی کنوانسیون‌های زیست‌محیطی نسبت به سایر کنوانسیون‌ها می‌باشد؛ زیرا ایران به عضویت غالب کنوانسیون‌های بین‌المللی زیست‌محیطی در آمده است و عملاً تعهداتی را در سطح بین‌المللی پذیرفته و خود را ملزم به رعایت آنها می‌داند.^۴ به موازات تحولات اخیر حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در حمایت و ارتقاء هنجارهای زیست‌محیطی، حقوق داخلی کشورهای مختلف نیز اقدام به تدوین قوانین و مقررات گوناگون در جهت حفاظت از گونه‌های جانوری کرد. تنوع مقررات موضوعه کشورها در خصوص برخورد با جرائم ارتكابی نسبت به جانوران بیانگر نوع نگاه مقنن آن کشور به مسئله محیط‌زیست می‌باشد.

به سبب تنوع فوق‌العاده‌ی پوشش گیاهی و حیات جانوری ایران، سیاست‌گذاری‌های زیست‌محیطی از اهمیت بسزایی برخوردار است. به‌طور کلی فون مهره‌داران ایران را می‌توان در ۵ رده‌ی پستانداران، پرندگان، خزندگان، ماهی‌ها و دوزیستان تقسیم کرد. این ۵ رده در ۱۶۷ خانواده مهره‌داران جای می‌گیرند و در مجموع ۱۰۵۹ گونه از آن شناسایی شده‌اند که شامل ۱۶۴ گونه پستاندار، ۵۱۷ گونه پرندگان، ۲۰۰ گونه خزنده، ۱۷۴ گونه ماهی و ۲۰ گونه دوزیست است. (سازمان حفاظت محیط‌زیست، ۱۳۸۴) متأسفانه این تنوع به سبب شکار و صیدهای غیرقانونی و بی‌رویه شدیداً در معرض خطر قرار گرفته و یا قرار دارد. از نظر تاریخی، یکی از

عوامل موثر در شکار بی‌رویه در کشور را بایستی در دگرگونی طرق شکار جستجو کرد؛ زیرا به نظر بعضی نویسندگان « پس از خاتمه جنگ جهانی دوم، بسیاری از امور در ایران از جمله طرق شکار دگرگون شد. از یک طرف تفنگ‌های خودکار رایج شد و از طرف دیگر اتومبیل جیب انقلابی بزرگ در تجهیزات سفر به پا کرد به طوری که ناگهان دشت، تپه و ماهور و حتی قسمتی از کوهستان‌ها جولانگاه شکارچی‌های مجهز به خودرو شد. ظاهراً همراه با وداع با شکارچی‌های نامی، سنت‌های اصیل ایرانی نیز که آمیخته با اسب و تازی و دولول بود از بین رفت و شکار با ماشین، پنج تیر پران - بدون هیچ گونه محدودیت، چه از لحاظ تعداد، فصل و مدت - جانشین آن شد.» (Firouz, 1999)

بنابراین، گشتار بی‌رحمانه وحوش از یک طرف و چرای بی‌رویه و تخریب جنگل‌ها و بیشه‌زارها از طرف دیگر سبب ویرانی پناهگاه و مامن آن‌ها شد که این امر صدمه جبران‌ناپذیری به زیستگاه‌های طبیعی ایران وارد کرد.

پس، با توجه به تنوع حیات وحش ایران و خطرات بالقوه و بالفعل نسبت به آن، پرسش محوری این است که آیا حقوق ایران برای حفاظت از گونه‌های جانوری اقدامات موثری در حوزه تقنین انجام داده است یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا تدابیر اتخاذی در این خصوص قادر به مقابله با جرائم ارتكابی نسبت به جانوران می‌باشد؟

یکی از مهم‌ترین قدم‌های قانونگذار ایران در جهت حفظ حیات وحش، تدوین قانون شکار در تاریخ چهارم اسفند ماه ۱۳۳۵ است. البته لازم به ذکر است که در حقوق ایران قبل از این تاریخ نیز مقرراتی در خصوص شکار در قانون مدنی وجود داشته که شاید بتوان آنها را به عنوان اولین گام در این رابطه تلقی کرد. قانون مدنی

ایران مصوب سال ۱۳۱۴، باب ششم خود را یعنی از ماده ۱۷۹ تا ۱۸۲ را به شکار اختصاص داده است.^۵ ولی مقررات شکار مندرج در این قانون اساساً از باب موضوع مالکیت می‌باشد و به طور مستقیم ناظر به مسئله محیط‌زیست نیست. با این وجود، ماده ۱۸۲ این قانون به طور صریح تدوین مقررات خاص مربوط به شکار را پیش بینی و آن را به آتیه موکول می‌کند، اما بی تردید در حقوق ایران، قوانین شکار مصوب ۱۳۳۵ و شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ (همراه با اصلاحات بعدی آن) اولین قوانین مستقل و نسبتاً جامع در زمینه‌ی حفاظت از گونه‌های جانوری و حیات وحش محسوب می‌شوند. علاوه بر قوانین پیشگفته، در سایر قوانین^۶ نیز مقرراتی در باب حفاظت از گونه‌های جانوری پیش بینی شده است. بعد از انقلاب، قانونگذار در طی مواد ۶۷۹ و ۶۸۰ قانون مجازات اسلامی اقدام به جرم‌انگاری شکار و صید غیر مجاز کرده و بخشی از فصل ۲۵ قانون مجازات اسلامی را به این مهم اختصاص داده است.

در راستای بررسی و تحلیل موضوع حمایت کیفری از گونه‌های جانوری در حقوق ایران، تنها به بررسی دو قانون شکار و صید و قانون مجازات اسلامی مبادرت می‌شود. البته لازم به ذکر است که انتخاب این دو قانون اتفاقی نیست، زیرا این دو قانون در شمار منابع اصلی حفاظت از گونه‌های جانوری محسوب می‌شوند و دارای دامنه‌ی نسبتاً گسترده‌ای می‌باشند. بنابراین، این تحقیق بیشتر حول حقوق ایران می‌چرخد و رویکرد قانونگذار را نسبت به موضوع حمایت از گونه‌های جانوری را مورد بررسی قرار نمی‌دهد.

بخش اول) قانون شکار و صید : حافظ خاص گونه‌های جانوری

از زمان تصویب قانون شکار و صید در سال ۱۳۴۶

تاکنون، این قانون دو بار در سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۷۵ مورد اصلاح قرار گرفته است. این قانون نه تنها در راستای حفاظت از گونه‌های جانوری مفید و موثر واقع شده است، بلکه نهادینه شدن موضوع حفاظت از محیط‌زیست را در قالب یک سازمان مستقل تقویت کرد. سنگ بنای اولیه‌ی نهادینه شدن موضوع حفاظت از محیط‌زیست، با تاسیس قانون شکار ایران به موجب ماده ۱ قانون شکار مصوب ۱۳۳۵ گذاشته شد. مطابق این ماده قانون شکار به عنوان یک سازمان مستقل در جهت حفظ نسل وحش و اجرای مقررات شکار معرفی شده است و سرانجام نیز در سال ۱۳۴۶ این قانون جای خود را به سازمان شکاربانی و نظارت بر صید می‌دهد.^۷ دایره‌ی وظایف سازمان جدید گسترده‌تر از سازمان پیشین خود بود، زیرا وظایفش از چارچوب «مقررات ناظر بر شکار فراتر رفته و وظایفی در ابعاد تحقیقاتی و مطالعاتی مربوط به حیات وحش کشور و اکوسیستم‌های ویژه و تکثیر و پرورش حیوانات وحشی و حفاظت از زیستگاه‌های آنها اضافه و اداره امور پارک‌های وحش و مناطق حفاظت‌شده و بالاخره موزه‌های حیوان‌شناسی در حیطه‌ی اختیارات این دستگاه قرار گرفت.» (سازمان حفاظت محیط زیست، همان : ۶)

نکته دوم حایز اهمیت در این قانون، موضوع جرم‌انگاری شکار و صید است که در مواد ۱۰ تا ۱۳ این قانون پیش‌بینی شده است. در اینجا سعی می‌شود به طور مختصر به محتوای این مواد پرداخته تا از این طریق رویکرد قانونگذار ایران نسبت به حفاظت از گونه‌های جانوری مشخص شود. نوع، میزان و اجرای مجازات در مواد فوق از جهات عدیده قابل توجه است: اولاً، وجود نوعی اشتراک در نوع مجازات، که این اشتراک در میزان مجازات وجود ندارد. قانونگذار ایران، مجازات جزای نقدی یا حبس را برای مرتکبین جرایم مذکور در

این مواد در نظر می‌گیرد که در بعضی از آن‌ها این مجازات شدیدتر و در بعضی خفیف‌تر می‌باشد. ثانیاً، مقنن، اقدامات مجرمانه مستوجب مجازات را به طور حصری بیان کرده است. ثالثاً، قانونگذار، قاضی را در انتخاب نوع مجازات‌های تعیین شده آزاد گذاشته است و وی می‌تواند از بین دو نوع مجازات، یعنی جزای نقدی یا حبس یکی را انتخاب کند.

در اینجا سعی می‌شود به طور دقیق‌تر به بررسی محتوای هر یک از این مواد پرداخته شود.

ماده ۱۰ قانون شکار و صید مقرر می‌دارد:

«هر کس مرتکب اعمال زیر شود به جزای نقدی از یکصد هزار تا یک میلیون ریال یا حبس از یک ماه تا شش ماه محکوم می‌شود:

الف- شکار و صید جانوران وحشی عادی بدون پروانه
ب- شکار و صید بیش از میزان مندرج در پروانه و یا خلاف مقررات و خارج از محل‌های مندرج در پروانه

ج- حمل، عرضه، فروش و صدور جانوران وحشی زنده یا کشته و اجزای آن‌ها بدون کسب پروانه و یا مجوز از سازمان

د- از بین بردن رستنی‌ها از جمله قطع درختان، خارزنی، بوته‌کشی و تعلیف غیر مجاز در مناطق حفاظت‌شده و پناهگاه‌های حیات وحش و تجاوز و تخریب در این مناطق»

ماده مزبور به موضوع مجوزهای شکار و صید پرداخته است و در واقع از این طریق بر ممنوعیت شکار و صید غیر قانونی و بدون پروانه تاکید می‌کند. پس داشتن پروانه مجوزی است که به شکارچیان و صیادان این امکان را می‌دهد تا به شکار و صید بپردازند^۸. البته داشتن این پروانه به تنهایی کفایت نمی‌کند، بلکه بایستی محدودیت‌های کمی و مکانی مندرج در پروانه‌ها همچون محل و میزان

شکار یا صید نیز رعایت شوند. علاوه بر ضرورت وجود پروانه جهت شکار و صید جانوران وحشی، اقدام به حمل، عرضه، فروش و صدور این گونه‌ها نیز نیازمند داشتن مجوز است (Taghizadeh Ansari, 1997).

در بند ۴ این ماده قانونگذار از بین بردن رستنی‌ها را در مناطق حفاظت‌شده و پناهگاه‌های حیات وحش و تجاوز و تخریب در این مناطق را در ردیف شکار و صید بدون مجوز تلقی می‌کند. این موضوع بیانگر توجه ویژه قانونگذار به ارتباط نزدیک بین گونه‌های وحشی و زیستگاه آن‌ها است. با بکارگیری واژه «رستنی‌ها» عملاً دامنه‌ی شمول این بند گسترده شده است. از آن مهم‌تر اینکه، قانونگذار به این امر اکتفا نکرده و در ادامه‌ی این بند، اقدام به احصای مصادیق از بین بردن رستنی‌ها کرده است. البته این احصاء از باب تمثیل بوده و تنها به قطع درختان، خارزنی، بوته‌کشی و تعلیف محدود نمی‌شود، بلکه هر گونه اقدام دیگری که موجب تجاوز و تخریب در این مناطق شود را در بر خواهد گرفت.

در ماده (۱۱) به موضوع زمان و راه‌های شکار و صید توجه شده است. این ماده اشعار می‌دارد:

«هر کس مرتکب اعمال زیر شود به جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال یا حبس از ۹۱ روز تا ۶ ماه محکوم می‌شود:

الف- شکار و صید در فصول و ساعات ممنوع مقرر
ب- مبادرت به شکار و صید در مناطق ممنوع و یا خلاف محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی که سازمان در حدود اختیارات قانونی خود تعیین و آگهی کرده است و شکار غیر مجاز در قرق‌های اختصاصی
ج- شکار و صید با وسایل و از طرق غیر مجاز و یا شکار با استفاده از اسلحه دیگران
د- تخریب چشمه‌ها و آبشخور حیوانات در مناطق حفاظت‌شده و پناهگاه‌های حیات وحش

ه- اقدام به صدور و ورود حیوانات وحشی موضوع ماده ۷

این قانون به صورت غیر مجاز. «

شکار و صید علاوه برداشتن ممنوعیت و محدودیت کمی و مکانی مندرج در ماده قبل در بر دارنده ممنوعیت و محدودیت‌های زمانی نیز می‌باشد. این ممنوعیت و محدودیت‌ها به منظور حفاظت از گونه‌های جانوری در فصل و دوره‌ی بارداری آن‌ه پیش‌بینی شده است.

ممنوعیت و محدودیت‌های مرتبط با ابزار و طرق شکار و صید بخش دیگری از این ماده را تشکیل می‌دهد. از این جهت انتخاب روش‌ها و استفاده از ابزارهای شکار و صید نامحدود نیست و دارندگان مجوز نمی‌توانند آزادانه و به هر شکلی اقدام به شکار و صید بپردازند. بندهای آخر این ماده به تخریب چشمه‌ها و آبخش‌خور حیوانات در مناطق حفاظت شده و پناهگاه‌های حیات وحش و صدور و ورود حیوانات وحشی به طور غیر مجاز می‌پردازد.

قانونگذار بعد از طرح موضوع ممنوعیت و محدودیت کمی و مکانی مجدداً در ماده ۱۲ به شکار و صید «بدون پروانه» پرداخته است، با این تفاوت که در این ماده بیشتر به شکار و صید بدون پروانه ویژه توجه شده است.^۹

در ماده ۱۲ یاد شده آمده است :

«هر کس مرتکب اعمال زیر شود به مجازات حبس از سه ماه تا سه سال و یا به جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا هجده میلیون ریال محکوم می‌شود : الف- شکار و صید جانوران وحشی حمایت شده بدون داشتن پروانه ویژه

ب- شکار و صید در مناطق حفاظت شده و پناهگاه‌های حیات وحش بدون تحصیل پروانه ویژه و صید غیر مجاز در رودخانه‌های حفاظت شده

ج- از بین بردن رستنی‌ها و تعلیف و تخریب در

پارک‌های ملی و آثار طبیعی ملی و هرگونه تجاوز و

فعالیت غیر مجاز در اینگونه مناطق

د- آلوده نمودن آب رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و تالاب‌های حفاظت شده، چشمه‌ها و آبخش‌ورها به موادی که باعث آلودگی آب و از بین رفتن آبزیان شود.»

در این ماده علاوه بر شکار و صید بدون مجوز ویژه و از بین بردن رستنی‌ها و تعلیف، موضوع آلودگی آب نیز مورد توجه قرار گرفته است. در ماده ۱۱ تنها «تخریب چشمه‌ها و آبخش‌ورها» پیش‌بینی شده است، در حالی که در بند «د» ماده ۱۲ «آلوده کردن رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و تالاب‌های حفاظت‌شده، چشمه‌ها و آبخش‌ورها» نیز لحاظ شده‌اند. پس قانونگذار در ماده ۱۱ بیشتر به تخریب توجه دارد ولی ماده ۱۲ بیشتر ناظر به آلودگی آب است. قانونگذار هم در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی و هم در ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳ (اصلاحی ۱۳۷۱) اقدام به تعریف آلودگی کرده است. بر اساس این تعریف آلودگی محیط‌زیست عبارتست از: «پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد.»

ماده ۱۳ (۱۳) قانون یاد شده مقرر می‌دارد: «هر کس مرتکب اعمال زیر شود به مجازات حبس از نود و یک روز تا سه سال یا جزای نقدی از یک میلیون و هشتصد هزار ریال تا بیست میلیون ریال و در صورت تکرار به هر دو مجازات محکوم می‌شود:

الف- شکار جانوران وحشی کمیاب و در معرض خطر انقراض از قبیل جیبر، گورخر، گوزن زرد ایرانی، یوزپلنگ، تمساح (کروکودیل)، هوبره و میش مرغ

ب- شکار در پارک‌های ملی

ج- شکار، صید و یا کشتار جانوران وحشی با استفاده از سموم مواد منفجره و امثال آن و شکار به صورت تعقیب با استفاده از وسیله نقلیه موتوری و هم‌چنین کشتار آنان به طریق جرگه و محاصره دسته جمعی

د- مبادرت به اقداماتی که موجبات آلودگی آب دریای خزر و خلیج فارس و دریای عمان با مواد غیر نفتی را فراهم آورده و باعث مرگ و میر آبیان یا به خطر افتادن محیط‌زیست آنان شود.

ه- ایجاد یا فراهم کردن مقدمات آتش سوزی در پارک‌های ملی و آثار طبیعی ملی و مناطق حفاظت شده یا پناهگاه‌های حیات وحش بر اثر بی‌مبادلاتی یا عدم رعایت مقررات محیط‌زیست و یا تخلف از نظامات دولتی.

تبصره ۱: در صورت ایجاد آتش سوزی عمدی در پارک‌های ملی و آثار طبیعی ملی، مرتکب به مجازات‌های مقرر در ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد.

تبصره ۲: هرکس مبادرت به زنده‌گیری، شکار، خرید، فروش، حمل، نگهداری و صدور پرندگان شکاری از قبیل شاهین، بحری، بالابان و دلجه کند علاوه بر محکومیت به حداکثر مجازات حبس مقرر در این ماده به جزای نقدی از یک میلیون و هشتصد و هزار ریال تا بیست میلیون ریال محکوم خواهد شد.

این ماده از جهات مختلف حایز اهمیت است که عبارتند از:

اول) از حیث مجازات:

این ماده از نظر مجازات تعیین شده در مقایسه با مواد ۱۰ تا ۱۲ نسبتاً شدید تر می‌باشد. شدید بودن نسبی مجازات در این ماده بی‌حکمت نیست، بلکه به منظور حفاظت از

گونه‌های کمیاب و در معرض خطر انقراض بوده است. برای مثال مجازات تعیین شده در تبصره ۲ همین ماده برای ارتکاب اعمالی هم‌چون مبادرت به زنده‌گیری، شکار، خرید، فروش، حمل، نگهداری و صدور پرندگان شکاری از قبیل شاهین، بحری، بالابان و دلجه، علاوه بر محکومیت به حداکثر مجازات حبس، به جزای نقدی از یک میلیون و هشتصد هزار ریال تا بیست میلیون ریال محکوم خواهد شد. البته پرسش باقی مانده این است که آیا امروزه اساساً این مجازات کافی است یا خیر؟

دوم) از حیث تکرار جرم و اعمال مجازات آن:

ماده (۱۳) به طور مستقیم به موضوع تکرار جرم پرداخته و مجازات شدیدی برای آن تعیین کرده است. در صورت تکرار اقدامات احصاء شده در ذیل ماده ۱۳، مرتکب مستوجب هر دو مجازات تعیین شده خواهد بود. به عبارت دیگر، مرتکب، به مجازات حبس و جزای نقدی توأمان محکوم خواهد شد؛ زیرا بطور کلی تکرار جرم از علل تشدید کننده جرم محسوب می‌شود.

سوم) توجه خاص به جانوران وحشی کمیاب و در معرض انقراض:

قانونگذار اقدام به تعیین و شمارش بعضی از گونه‌های وحشی کرده است. این اقدام قانونگذار مبین اوج وخامت اوضاع نسبت به شکار بی حد و حصر این گونه‌ها بوده است و به همین آن‌ها را در ردیف گونه‌ها در معرض خطر انقراض قرار می‌دهد. پس، مقنن نه تنها کثرت شکار، بلکه نوع شکار را نیز مورد توجه قرار داده است.

چهارم) توجه به طرق شکار، خرید و فروش، حمل، نگهداری و صدور بعضی گونه‌ها، آتش سوزی در پارک‌های ملی، مناطق حفاظت شده، پناهگاه حیات وحش و غیره و در نهایت آلودگی آب: به طور کلی

می‌توان گفت که ماده ۱۳ در پی یک جمع بندی از مفاد تمامی مواد قبل از خود می‌باشد. به عبارت دیگر، ضمن تاکید بر ممنوعیت مطلق بعضی از گونه‌ها به راه‌های شکار و صید نیز می‌پردازد. در واقع، قانونگذار سعی کرده است بخشی از مصادیق شکار و صید با وسایل و طرق غیر مجاز را تعیین کند؛ زیرا ماده ۱۱ تنها به ذکر ممنوعیت شکار و صید با وسایل و طرق غیر مجاز اکتفا کرده است. ولی بند «ج» ماده ۱۳ به طور صریح به ذکر بعضی از مصادیق ابزاری و طرقی شکار و صید، از جمله زنده‌گیری، شکار، صید و یا کشتار جانوران وحشی با استفاده از سموم مواد منفجره و امثال آن و شکار به صورت تعقیب با استفاده از وسیله نقلیه موتوری و هم چنین کشتار آنان به طریق جرگه و محاصره دسته جمعی، می‌پردازد.

در مورد خرید و فروش، حمل، نگهداری و صدور جانوران وحشی، آیین‌نامه اجرایی قانون شکار و صید در ماده ۳۱ مقرر می‌دارد: «خرید و فروش - عرضه و نگهداری و حمل و صدور کلیه جانوران وحشی زنده و کشته و اجزاء آنها بدون تحصیل پروانه از سازمان حفاظت محیط‌زیست ممنوع است به استثنای آنچه از طرف شورایی عالی حفاظت محیط‌زیست مجاز اعلام شده باشد.» در این ماده هیچ‌گونه صراحتی در خصوص بومی یا غیر بومی بودن جانوران وحشی دیده نمی‌شود، ولی بر عکس در ماده ۷ قانون شکار صید به طور صریح به غیر بومی بودن حیوانات وحشی اشاره شده است و در این خصوص بیان می‌دارد که: «خرید و فروش، تکثیر و پرورش و صدور و ورود حیوانات وحشی و اجزای آنها که غیر بومی ایران بوده و از خارج به کشور وارد شده و یا از قبل در کشور تکثیر و پرورش یافته‌اند با کسب پروانه و یا اجازه از سازمان مجاز می‌باشد. ورود و صدور آن دسته از جانوران وحشی و اجزای آنها که در فهرست

کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های در معرض خطر انقراض ثبت شده‌اند با رعایت مقررات کنوانسیون مذکور صورت می‌گیرد. سازمان می‌تواند گونه‌هایی که برخلاف مقررات کنوانسیون به کشور وارد شده اند ضبط و در صورت لزوم با هزینه وارد کننده به کشور مبدا عودت دهد.»

موضوعی که هم در قانون شکار و صید و هم در آیین‌نامه اجرایی آن تاکید شده است، لزوم تحصیل پروانه یا مجوز از سازمان حفاظت محیط‌زیست است. ولی در مورد ورود و صدور جانوران وحشی که نامشان در فهرست کنوانسیون سایتس ثبت شده است، مقررات آن کنوانسیون لازم‌الرعایه خواهد بود. البته رعایت مقررات این کنوانسیون در راستای انجام تعهداتی است که دول عضو به موجب کنوانسیون پذیرفته‌اند. مطابق کنوانسیون «کلیه طرفین تدابیر مناسبی را جهت اجرای مقررات این کنوانسیون و جلوگیری از تجارت این گونه‌ها برخلاف مقررات کنوانسیون اتخاذ خواهند کرد»^{۱۰}

آتش سوزی زیستگاه جانوران وحشی (اعم از پارک‌های ملی، مناطق حفاظت شده یا پناهگاه‌های حیات وحش) نیز به طور جداگانه در ماده ۱۳ مورد جرم انگاری قرار گرفته است، اما برای مرتکبین این جرم با توجه به قصد و نیت آنها قائل به دو نوع مجازات متفاوت شده است: ۱- ایجاد یا فراهم کردن مقدمات آتش سوزی در زیستگاه جانوران وحشی بر اثر بی‌مبادلاتی یا عدم رعایت مقررات محیط‌زیست و یا تخلف از نظامات دولتی ۲- ایجاد آتش سوزی عمدی در زیستگاه جانوران وحشی. در مورد اول همان مجازات تعیین شده در ماده ۱۳ یعنی (مجازات حبس از نود و یک روز تا سه سال یا جزای نقدی از یک میلیون و هشتصد هزار ریال تا بیست میلیون ریال) اعمال می‌شود ولی برای مورد دوم مرتکب

به مجازات‌های مقرر در ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی^{۱۱} (حبس از دو تا پنج سال، حد محارب (در صورتی که به قصد مقابله با حکومت اسلامی باشد) و شش ماه تا دو سال حبس (شروع به جرم) محکوم خواهد شد.

علاوه بر قانون شکار و صید، قانون مجازات اسلامی نیز موادی را به گونه‌های جانوری اختصاص داده است که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد.

بخش دوم) قانون مجازات اسلامی : حافظ عام گونه‌های جانوری

حقوق کیفری در جوامع گوناگون به عنوان یکی از ابزارهای موثر در خدمت حمایت و حفاظت از محیط‌زیست قرار دارد. در حقوق کیفری ایران نیز این موضوع از نظر دور نمانده است و به همین جهت قانون مجازات اسلامی به عنوان قانون عام در فصل بیست و پنجم خود به موضوع محیط‌زیست توجه کرده و موادی را به آن اختصاص داده است. حفاظت از گونه‌های جانوری به طور خاص، در مواد ۶۷۹ و ۶۸۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مورد توجه قرار گرفته است که به صورت کوتاه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در ماده ۶۷۹ آمده است: «هرکس به عمد و بدون ضرورت حیوان حلال گوشت متعلق به دیگری یا حیواناتی که شکار آنها توسط دولت ممنوع اعلام شده است را بکشد یا مسموم یا تلف یا ناقص کند به حبس از نود و یک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد» این ماده به دو شق تقسیم می‌شود: در شق اول، به اقدامات ارتكابی نسبت به حیوانات حلال گوشت متعلق به اشخاص دیگر مربوط می‌شود؛ و در شق دوم، به موضوع اعمال ارتكابی نسبت به حیواناتی که شکار آنها

ممنوع اعلام شده است، توجه می‌کند. شق اول این ماده، بیشتر ناظر به حفاظت از حیوانات از منظر مالکیت است، ولی شق دوم با به کار بردن واژه «یا» قلمرو این ماده را افزایش داده و حفاظت از حیوانات را به کلیه حیواناتی که شکار آنها توسط دولت ممنوع اعلام شده است، تسری می‌دهد.

البته تلقی این اعمال به عنوان جرم، مستلزم داشتن سوء نیت می‌باشد و با «عمدی بودن» فعل کشتن یا مسموم یا تلف یا نقص کردن حیوان محقق می‌شود. لذا انجام هر یک از افعال فوق از باب ضرورت موجب جرم تلقی نشدن عمل خواهد بود؛ برای مثال هرگاه شخص به عنوان دفاع از خود به مقدار لازم حیوان حمله کننده را دفع نماید و همین دفاع موجب مرگ یا آسیب رساندن به حیوان مزبور شود ضامن نمی‌باشد^{۱۲}.

ماده ۶۷۹ در فصل ۲۵ قانون تعزیرات درج شده است و قسمتی از عنوان اصلی این فصل، به اتلاف حیوانات اختصاص دارد. پس، بدین جهت لازم است به ذکر نکاتی در خصوص اتلاف حیوانات اشاره شود: اول اینکه، قاعده فقهی اتلاف «من اتلف مال الغیر فهو له ضامن» اصالتاً ریشه‌ی مدنی دارد که دال بر عدم توجه به عمد یا غیر عمد بودن فعل دارد و هر کس مال دیگری را تلف کند چه بالمباشره باشد و چه بالتسبیب در هر صورت ضامن خواهد بود. در حالی که این تلف با اضافه شدن عامل قصد و عمد مجرمانه به آن جنبه‌ی کیفری پیدا می‌کند. به علاوه، قانونگذار در این فصل واژه «حیوان» را در کنار «مال» به صورت موازی بکار برده است. شاید این موضوع قبل از هر چیز ناشی از این امر باشد که قانون مدنی جانوران را مال منقول تلقی می‌کند^{۱۳}. در قوانین کیفری بعضی از کشورها، جرایم علیه جانوران در بخش مجزایی در نظر گرفته می‌شود و

این بدان معناست که قانونگذار این کشورها ماهیتا یک تفکیک اساسی مابین جانور به عنوان یک موجود زنده و سایر اموال با ماهیت مادی در نظر می‌گیرد. برای مثال در حقوق فرانسه از دیر باز جانور موضوع مالکیت خصوصی بوده و حمایت از آن در قالب حمایت از حقوق مالکیت مورد بررسی قرار می‌گرفته است ولی با تغییر نگرش اساسی نسبت به جانوران، قواعد حمایتی نسبت به این گونه‌ها از نظر محتوایی توسعه‌ی زیادی پیدا کرد و رشته‌های مختلف حقوقی چون حقوق مدنی (مالکیت و حقوق اموال)، حقوق کیفری (جرایم ارتكابی علیه جانوران) و حقوق محیط‌زیست (حمایت از طبیعت) گام‌های موثری در توجه به گونه‌های جانوری برداشتند. قانون مدنی فرانسه در ماده ۵۲۸ جانور را به عنوان یک شیئی تلقی می‌کند و به همین خاطر اشعار می‌دارد که: «جانوران ماهیتا اموال منقول هستند...»^{۱۴} و به مالک آن حقوق مربوط به مالکیت را اعطا می‌کند، ولی این موضوع لزوماً به معنی سوءاستفاده و هر گونه بهره‌کشی و داشتن رفتار وحشیانه نسبت به مایملک نیست. قانون ۱۰ ژوئیه ۱۹۷۶ در مورد حفاظت از طبیعت، تحول عظیمی ایجاد کرد و جانور را به عنوان موجودی حساس تلقی کرد و به دنبال آن قانون جزای جدید فرانسه با اختصاص یک فصل جداگانه تحت عنوان «بهره‌کشی شدید یا اعمال وحشیانه نسبت به حیوانات» آن را از جرایم علیه اموال تفکیک نمود^{۱۵}. علاوه بر این موارد، قانون محیط زیست فرانسه نیز جرایم علیه گونه‌های جانوری را پیش‌بینی کرده است. به عنوان مثال، ماده ۴۱۵ تعرض به حفاظت از گونه‌های جانوری غیر اهلی، ورود عمدی به زیستگاه طبیعی، حمل و نقل، پخش، استفاده، عرضه، فروش یا خرید گونه‌های جانوری را مستوجب ۶ ماه زندان و ۹۰۰۰ یورو جزای نقدی می‌داند.

مداقه در ماده ۶۷۹ قانون مجازات اسلامی، پرسش‌های گوناگونی را، حداقل در تئوری، به ذهن متبادر می‌کند. این پرسش‌ها، بیشتر راجع به مصادیق اعمال مجرمانه نسبت به حیوانات مندرج در ماده فوق می‌باشد. برای مثال، آیا بایستی در اختیار گرفتن حیواناتی که شکار آنها توسط دولت ممنوع اعلام شده است را بدون اینکه در قالب یکی از مصادیق «اتلاف» (کشتن، مسموم، تلف یا ناقص کردن) رخ داده باشد، جرم تلقی کنیم یا خیر؟ به عبارت دیگر، در اختیار گرفتن این حیوانات بدون اتلاف، مشمول ماده ۶۷۹ می‌شود یا خیر؟ آنچه که از منطوق این ماده مستفاد می‌شود، بیشتر ناظر به اتلاف است و اساساً، موضوع شکار مورد نظر نمی‌باشد. شاید علت این امر، از تفکیک مابین صدر ماده و قسمت اخیر آن ناشی شود. زیرا صدر ماده، موضوع حمایت از حق مالکیت مالک حیوان را مورد توجه قرار می‌دهد. حمایت مزبور در قبال اعمال ارتكابی (اتلاف) نسبت به حیوان صورت می‌گیرد، در حالی که قسمت اخیر ماده بیشتر ناظر به حیواناتی است که شکار آنها از طرف دولت ممنوع اعلام شده است. در اینجا دیگر، موضوع مالکیت مطرح نیست چه اینکه این حیوانات مالک خاصی ندارند و تحت شرایط خاص و با کسب مجوز از مراجع ذیصلاح قانونی قابل شکار می‌باشند. به هر تقدیر، به نظر می‌رسد در اختیار در آوردن این حیوانات، بدون «اتلاف» (کشتن، مسموم، تلف یا ناقص کردن) آن‌ها، از مصادیق این ماده خارج است و تابع مقررات مندرج در قوانین خاص از جمله قانون شکار و صید باشد؛ کما این که بند «ج» و تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون شکار و صید به طور صریح بعضی از مصادیق ایزاری و طرقي شکار و صید را اعلام می‌کند. از جمله‌ی این مصادیق می‌توان به زنده‌گیری، شکار به صورت تعقیب با استفاده از وسیله نقلیه موتوری و محاصره دسته جمعی اشاره کرد.

دومین ماده مرتبط با حفاظت از حیوانات در قانون مجازات اسلامی، ماده ۶۸۰ است. در این ماده، مقنن مقرر می‌دارد که: «هرکس برخلاف مقررات وبدون مجوز قانونی اقدام به شکار یا صید حیوانات و جانوران وحشی حفاظت‌شده نماید به حبس از سه ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از یک و نیم میلیون ریال تا هیجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

ماده ۶۸۰، با دارا بودن قلمرو عام خود، مکمل خوبی برای ماده ۶۷۹ قانون مجازات محسوب می‌شود. این ماده شباهت زیادی به ماده ۱۲ قانون شکار و صید دارد. هر دو ماده اساساً ناظر به شکار و صید بدون مجوز بوده و به همین جهت نیز مجازات یکسانی را پیش‌بینی می‌کند. ماده ۶۸۰ در خصوص شکار و صید است و هر گونه اقدام غیر قانونی و بدون مجوز بر علیه حیواناتی که در خشکی زندگی می‌کنند (در قالب شکار) و هم‌چنین کلیه حیوانات آبی (در قالب صید) را جرم محسوب می‌کند و مرتکب به مجازات تعیین شده در این قانون محکوم می‌شود. بعضی نویسندگان معتقدند که بهتر می‌بود قانونگذار «پس از کلمات «جانوران وحشی» عبارتی مانند «اعم از آبزیان و غیر آنها» را می‌آورد تا مفهوم ماده کامل‌تر می‌گشت.» (Ghasemi, 2005)

عدم تصریح قانونگذار از جهات مختلف قابل توجه است: یک- از حیث عرفی معنای واژه شکار برای حیواناتی که در خشکی زندگی می‌کنند بکار می‌رود در حالی که با بکارگیری واژه صید، موضوع آبزیان از آن مستفاد می‌شود. دو- ماده یک آیین‌نامه اجرایی قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ (اصلاحی ۱۳۷۴) جانوران وحشی را به صورت زیر طبقه‌بندی می‌کند: الف) پستانداران وحشی ب) پرندگان وحشی پ) خزندگان وحشی ت) آبزیان. و در نهایت در مواد ۲ و ۳ همین آیین‌نامه در تعریف شکار «تیراندازی به پستانداران و

پرندگان و خزندگان وحشی یا کشتن یا گرفتن یا تعقیب کردن آنها به هر کیفیت و وسیله و طریق» و در تعریف صید کشتن یا گرفتن آبزیان قابل صید به هر کیفیت و وسیله و طریق یا تیراندازی به آنها مورد توجه واقع شده است.

بعلاوه، این ماده به اقدام بدون مجوز و غیر قانونی شکار و صید حیوانات و جانوران وحشی «حفاظت‌شده» اشاره می‌کند. البته واژه «حفاظت‌شده» قدری قابل تأمل است؛ زیرا مقایسه این ماده از قانون مجازات با قانون شکار و صید و آیین‌نامه اجرایی آن بیانگر بکارگیری واژه‌های گوناگون هم‌چون «حفاظت‌شده و حمایت‌شده» است، پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چه تفاوتی بین دو واژه بکار رفته در ماده ۶۸۰ و ماده ۳ قانون شکار و صید و ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی آن می‌باشد؟ در بند «ت» ماده ۳ قانون شکار و صید یکی از وظایف و اختیارات شورای عالی حفاظت محیط‌زیست تعیین انواع جانوران وحشی و حیوانات «حمایت‌شده و حفاظت‌شده» و در معرض خطر انقراض و جانوران زیانکار اعلام شده است، در حالی که در ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی شکار و صید در تعریف حیوانات حمایت‌شده آمده است: «منظور از حیوانات حمایت‌شده جانوران وحشی هستند که در شرف تکثیر یا در معرض خطر و یا نادر و نافع باشند.» به نظر می‌رسد قانونگذار ایران از باب تسامح واژه حمایت‌شده و حفاظت‌شده را در ماده ۳ قانون شکار و صید در کنار هم بکار برده است، زیرا نه تنها در قانون شکار و صید، بلکه در آیین‌نامه اجرایی آن و یا در قوانین دیگر، واژه «حفاظت‌شده» عموماً برای پارک‌های ملی^{۱۶}، پناهگاه حیات‌وحش^{۱۷} و مناطق حفاظت‌شده^{۱۸} بکار می‌رود. پس بر این اساس واژه حفاظت بیشتر جنبه مکانی و محلی دارد و اساساً برای زیستگاه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نتیجه گیری

مطالعه و آسیب شناسی قوانین و مقررات ایران در خصوص حمایت از گونه‌های جانوری مبین نکات زیر است:

الف) کثرت قوانین

یکی از ویژگی‌های برجسته حقوق محیط‌زیست در عرصه داخلی و بین‌المللی وجود نوعی تورم هنجاری است. تنوع مقررات در حوزه‌ی محیط‌زیست لزوماً به معنی حفاظت و حمایت موثر از محیط‌زیست نیست؛ زیرا تاثیر گذاری مطلوب مقررات، مستلزم ساز و کارهای اجرایی و نظارتی است.

قانون شکار و صید به عنوان یک قانون خاص، نقطه عطفی در حفاظت از گونه‌های جانوری به شمار می‌رود. این قانون محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی جهت شکار و صید پیش بینی کرده است و به دنبال آن، اقدام به جرم انگاری برخی از اعمال نموده است. علاوه بر قانون خاص شکار و صید، قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) نیز اقدام به جرم‌انگاری شکار و صید غیر مجاز جانوران وحشی حفاظت شده کرده است.

پس جرم انگاری رفتارهای زیانبار نسبت به گونه‌های جانوری در قوانین ایران صورت گرفته است، ولی علیرغم این مقررات ما هنوز شاهد وجود ارتکاب اعمال مجرمانه در این حوزه هستیم. پرسش اساسی این است که آیا باید کماکان و صرفاً از ابزار حقوق کیفری استمداد جست و یا اینکه باید سایر ابزارهای کنترلی را جهت حفاظت از گونه‌های جانوری به خدمت گرفت؟ پر واضح است که حقوق کیفری از این منظر به منزله‌ی ابزاری جهت تحکیم ارزش‌های زیست‌محیطی خواهد بود و می‌تواند در جهت تحقق ضمانت اجرای موثر نقش مهمی را ایفا نماید. با این حال نمی‌توان تنها به ابزار کیفری حقوق جزا یعنی مجازات صرف تکیه کرد و باید

از ابزارهای موجود در سایر رشته‌ها نیز استفاده کرد تا حمایت موثر و همه‌جانبه‌ای در حفاظت از محیط‌زیست صورت گیرد. به اجرا گذاشتن درست و مناسب مقررات زیست‌محیطی موجود قادر به رفع بسیاری از مشکلات مهم زیست‌محیطی خواهد بود، ولی در کنار آن باید به نقش آگاه‌سازی افکار عمومی و نهادینه کردن موضوع حفاظت از محیط‌زیست در فرهنگ عامه توجه خاصی مبذول داشت. آگاه‌سازی عمومی و نهادینه شدن موضوع محیط‌زیست، موجب تحقق آرمان مندرج در اصل ۵۰ قانون اساسی است. مطابق این اصل، حفاظت از محیط‌زیست «وظیفه عمومی» تلقی شده است. به همین دلیل آگاه‌سازی عموم یکی از وظایف مهم متولیان و مدافعان حفظ محیط‌زیست محسوب می‌شود. پس آگاه‌سازی عموم از وضعیت محیط‌زیست و تسهیل امکان مشارکت آنها در فرآیند تصمیم‌سازی مربوط به مسائل زیست‌محیطی، عنصری تعیین‌کننده در حفظ محیط‌زیست محسوب می‌شود. ایجاد تعاملی سازنده بین دولت و نهادهای متولی حفظ محیط‌زیست با مردم و کارگزاران اقتصادی ضروری است. به نظر می‌رسد یکی از معضلات عمده‌ی محیط‌زیست در ایران، عدم آگاهی نسبت به اهمیت حفظ محیط‌زیست در نزد افکار عمومی است. عدم اعتقاد نسبت به محیط‌زیست و عناصر متشکله آن (آب، هوا، خاک و گونه‌های گیاهی و جانوری و غیره)، یکی از موانع عمده در راه مشارکت عموم در حفظ محیط‌زیست می‌باشد. ماهیت محیط‌زیست به گونه‌ای است که همه گروه‌ها در عرصه ملی و بین‌المللی برای اجرا و کنترل مقررات آن باید کوشش کنند. اعلامیه ریو و دستور ۲۱ (مصوب ۱۹۹۲) جملگی از اسناد مهم زیست‌محیطی هستند که اکثر دولت‌ها، از جمله ایران به آنها ملحق شده‌اند. این اسناد بر مشارکت عموم در حفظ محیط‌زیست تاکید دارند^{۱۹}. ایفای نقش فعال

گروه‌های عمده، مستلزم فرهنگ‌سازی و تقویت بستر مناسب تقنینی جهت مشارکت عموم است. گسترش مشارکت فعالانه عموم می‌تواند موجبات تحقق اصل پیشگیری حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را فراهم سازد؛ «زیرا تجربه و تخصص علمی نشان داده است که ممانعت از خطر محیط‌زیستی هم به دلایل اقتصادی و هم به دلایل اکولوژیکی یک «قاعده طلایی» است. به عنوان مثال، انقراض یک گونه گیاهی یا جانوری، فرسایش و نشست آلاینده‌های مقاوم در دریا، وضعیت‌های غیرقابل جبرانی را ایجاد می‌کنند، حتی زمانی که آسیب قابل جبران باشد، هزینه‌های اعاده وضع سابق آن اغلب کمرشکن خواهد بود.»

(ROBINSON et KURUKULASURIYA, 2006 : 32)

پس در کنار فعالیت‌های فوق، تدوین مقررات زیست‌محیطی حافظ مطمئن ارزش‌های اجتماعی زیست‌محیطی خواهد بود. در حوزه‌ی تدوین مقررات زیست‌محیطی اعم از قوانین، آیین‌نامه‌ها، تصویب‌نامه‌ها و سایر مصوبات متولیان حفظ محیط‌زیست، قانونگذار ایران به صیانت از محیط‌زیست توجه ویژه‌ای مبذول داشته^{۲۰} ولی در برخی از زمینه‌ها عدم تناسب مجازات‌ها با بزه ارتكابی مشاهده می‌شود.

ب) روز آمد نبودن مجازات‌ها

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مجازات‌ها ارعاب‌آمیز بودن و قدرت بازدارندگی آن‌ها است. با وجود کثرت مقررات در قلمرو محیط‌زیست در ایران، آیا مجازات‌های مندرج در قوانین، واجد خصیصه‌ی ارعاب‌آمیز بودن و قدرت بازدارندگی می‌باشند یا خیر؟ یکی از مشکلات عمده در حقوق کیفری محیط‌زیست، فقدان مجازات‌های ارعاب‌آمیز می‌باشد؛ که سبب جسورتر شدن مرتکبین به حریم پاک طبیعت می‌شود.

شورای عالی حفاظت محیط‌زیست در راستای اجرای وظایف و اختیارات مندرج در ماده ۳ قانون شکار و صید اقدام به تعیین بهای جانوران وحشی می‌نماید و میزان خسارات وارده را معین می‌کند. مصوبه شماره ۱۷۰ شورای عالی حفاظت محیط‌زیست در تاریخ ۱۱ خرداد ماه ۱۳۷۹ اقدام به تعیین بهای هر یک از جانوران وحشی می‌کند. در این مصوبه ضمن طبقه‌بندی جانوران وحشی به شش گروه پستانداران، خزندگان، پرندگان، جانوران دریایی، آبریان و سخت پوستان بهای هر یک از جانوران وحشی را به طور جداگانه از لحاظ مطالبه ضرر و زیان مشخص می‌کند. یکی از پرسش‌های بنیادی، موضوع ارزش‌گذاری این جانوران است. به عبارت دیگر، چه معیار مطمئنی می‌تواند برای تعیین مجازات کیفری مرتکبین جرایم علیه گونه‌های جانوری مورد استناد قرار گیرد؟ آیا واقعا ارزش‌گذاری جانوران امر صحیحی است که با تمسک به آن اقدام به تعیین مجازات مرتکبین شود؟ این موضوع چگونگی در خصوص گونه‌های نادر و شدیداً در معرض خطر انقراض قابل توجیه است؟ پاسخ به این پرسش‌ها قدری مشکل است ولی قدر مسلم آن است که به هر تقدیر باید روشی را جهت تعیین مجازات کیفری در پیش گرفت. شاید، ارزش‌گذاری روشی معمول و رایج به نظر رسد. بی‌تردید چنین رویکردی مورد انتقاد شدید مدافعان و طرفداران واقعی محیط‌زیست قرار خواهد گرفت، زیرا به نظر آنها تقویم گونه‌های نادر امری غیر قابل قبول می‌باشد. علت واقعی این تضاد دیدگاه را باید در دو نگرش انسان محوری و زیست‌محوری جستجو کرد. در رویکرد انسان محوری، نگاه انسان به محیط‌زیست تنها از منظر فایده و نقشی که محیط‌زیست برای ترضیه نیازهای انسان ایفا می‌کند مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر در این طرز تلقی، استفاده از منابع طبیعی برای رفع نیازها و بهره‌وری

اقتصادی از محیط‌زیست مورد نظر است. اما در رویکرد زیست‌محوری وضعیت کاملاً متفاوت است به این معنا که محیط‌زیست نقش و جایگاه والایی دارد و احترام به آن فی حد ذاته به خاطر خود محیط‌زیست است. در حالی که در رویکرد انسان‌محوری، محیط‌زیست ثانیا بالعرض بوده و سبب ترجیح و الویت نیازهای انسان نسبت به محیط‌زیست می‌شود.

عملا با پذیرش معیار ارزش‌گذاری گونه‌های جانوری در تعیین مجازات، میزان سود و بهره احتمالی مرتکب جرایم علیه گونه‌های جانوری به عنوان قرینه‌ای است که ما را در این خصوص کمک خواهد کرد. به عبارت دیگر، سود و بهره‌ای که از محل فروش گونه‌های جانوری به صورت زنده یا مرده و یا فروش اعضای آنها در بازار سیاه داخلی یا خارجی عاید مرتکبین این جرایم می‌شود به عنوان قرینه‌ی قابل اعتمادی است که در ارزش‌گذاری گونه‌ها موثر واقع خواهد شد. پس، قانونگذار ضمن توجه به قیمت این گونه‌ها در بازار سیاه می‌تواند اقدام به ارزش‌گذاری قانونی و تعیین مجازات مناسب در قوانین خاص و عام نماید. در نتیجه این چنین ارزش‌گذاری نه تنها مطابق با واقعیات موجود جامعه خواهد بود، بلکه قدرت بازدارندگی نیز خواهد داشت.

علیرغم این خلاءها بایستی اذعان کرد که در اصلاحیه‌های اخیر شورای عالی حفاظت محیط‌زیست بهای بعضی از گونه‌های جانوری به طور قابل توجهی افزایش یافته است. برای مثال بهای یوز پلنگ در مصوبه شماره ۱۷۰ شورای عالی حفاظت محیط‌زیست ۲۸ میلیون ریال تعیین شده بود که این رقم در مصوبه شماره ۲۰۴ این شورا به ۱۰۰ میلیون ریال افزایش پیدا کرد. شاید این افزایش بهای قابل توجه یوز پلنگ ناشی از این امر باشد که حیات این جانور شدیداً در معرض خطر انقراض قرار دارد.

به هر تقدیر، بایستی امیدوار بود که حقوق محیط‌زیست و عناصر آن، مشمول رویکرد قضاء زدایی قرار نگیرد؛ بلکه بر عکس، در این حوزه به همراه اقدامات کنشی لازم، تدابیر کیفی موثری برای قربانیان خاموش طبیعت اتخاذ گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱- آقای ژولیا مارتون لوفور (Julia vree Lef Marton)، دبیرکل اتحادیه فوق‌اعلام کرده است که «فهرست قرمز اتحادیه در سال ۲۰۰۷ نشانگر این است که کوشش‌های انجام شده برای حفاظت از گونه‌ها ناکافی است؛ و روند تخریب تنوع‌زیستی در حال گسترش است و به همین منظور انجام اقدامات عاجل در خصوص پایان دادن به بحران جهانی انقراض لازم و ضروری است.

(www.iucn.org/themes/ssc/redlist2007/index_redlist2007.htm, consulté le 7 janvier 2008)

2- Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora (CITES)

۳- این کنوانسیون مشتمل بر سه ضمیمه است: ضمیمه اول مربوط به گونه‌های در حال انقراض است که این ضمیمه مشتمل بر گونه‌هایی است که در صورت عدم توقف تجارت آن‌ها، منقرض خواهند شد. از جمله حیواناتی که در این ضمیمه آمده است می‌توان فیل‌ها، پلنگ‌ها، نهنگ‌ها، وال‌ها و غیره را نام برد. تجارت این گونه‌ها غیر قانونی و تابع اصل ممنوعیت مطلق بوده و صرفاً در موارد استثنایی مجاز شناخته می‌شود و به طور کلی با رعایت شرایط و صدور مجوزهای خاص، صدور و ورود این گونه‌ها ممکن است. با صدور این مجوزها کشور واردکننده باید تضمین دهد که کلیه شرایط لازم برای حفظ بقای گونه‌های وارداتی را اعمال خواهد نمود. ضمیمه‌ی

دوم گونه‌هایی را مد نظر قرار می‌دهد که در حال حاضر لزوماً در معرض خطر انقراض قرار ندارند، ولی اگر به آنها بی‌توجهی شود در معرض خطر انقراض قرار خواهند گرفت. حیواناتی چون کانگورو، گرگ تاسمانی و خفاش‌های میوه‌خوار از گونه‌هایی هستند که در این ضمیمه ثبت شده‌اند. صدور این گونه‌ها نیز احتیاج به مجوز است و باید کلیه تمهیدات لازم لحاظ شود تا هیچ گونه آسیبی به آنها وارد نشود. در واقع، در تجارت گونه‌های این ضمیمه اصل ممنوعیت مطلق تجارت اعمال نمی‌شود بلکه اصل تجارت منطقی و معقول گونه‌های مزبور است. و اما ضمیمه‌ی سوم، در بردارنده‌ی گونه‌هایی است که در معرض خطر انقراض قرار ندارند. گونه‌های مندرج در این ضمیمه، گونه‌هایی هستند که طرفین کنوانسیون از وجود مقررات داخلی در مورد آنها خبر می‌دهد، ولی اجرای آن مستلزم همکاری سایر دول عضو می‌باشد. تجارت بین‌المللی این گونه‌ها نیز احتیاج به دریافت مجوز صدور می‌باشد.

۴- دولت ایران ضمن شرکت در کنفرانس‌های مهم مربوط به محیط‌زیست از جمله کنفرانس استکهلم (۱۹۷۲) و ریو (۱۹۹۲)، اسناد نهایی آنها را تصویب کرده است. علاوه بر این، می‌توان به کنوانسیون‌های هم‌چون کنوانسیون مربوط به تالاب‌های مهم بین‌المللی بویژه تالاب‌های زیستگاه پرندگان آبی (رامسر ۱۹۷۱) و کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان (یونسکو ۱۹۷۲) و غیره اشاره کرد.

۵- ماده ۱۷۹ قانون مدنی « شکار کردن موجب تملک است. »

ماده ۱۸۰ قانون مدنی « شکار حیوانات اهلی و حیوانات

دیگری که علامت مالکیت در آن باشد موجب تملک نمی‌شود. » ماده ۱۸۱ قانون مدنی « اگر کسی کند و یا محلی برای زنبورعسل تهیه کند زنبورعسلی که در آن جمع می‌شوند ملک آن شخص است همینطور است حکم کبوتر که در برج کبوتر جمع شود. »

ماده ۱۸۲ قانون مدنی « مقررات دیگر راجع به شکار به موجب نظامات مخصوصه معین خواهد شد. »

۶- از جمله این قوانین می‌توان به قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مصوب ۱۳۵۰ (ماده ۱)، لایحه‌ی قانونی مجازات صید غیر مجاز از دریای خزر و خلیج فارس مصوب ۱۳۵۸ (ماده ۱)، قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴ (ماده ۲۲) و قوانین دیگر اشاره کرد. ۷- در سال ۱۳۵۰ نام سازمان شکاربانی و نظارت بر صید به سازمان حفاظت محیط‌زیست و نام شورای عالی شکاربانی و نظارت بر صید به شورای عالی حفاظت محیط‌زیست تغییر می‌کند. نک: سازمان حفاظت محیط‌زیست، مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط زیست ایران، جلد اول، مهرماه ۱۳۸۳، ص ۶.

۸- مواد ۱۷ تا ۲۲ آیین‌نامه اجرایی شکار و صید مصوب سال ۱۳۴۶ (اصلاحی سال ۱۳۷۴) انواع پروانه‌های شکار و صید و شرایط صدور آن را مشخص می‌کند. مطابق این آیین‌نامه پروانه‌های مزبور به صورت عادی، ویژه و انتفاعی صادر می‌شوند.

۹- برابر آیین‌نامه اجرایی قانون شکار و صید، پروانه‌های شکار و صید به سه شکل صادر می‌شوند: پروانه‌های عادی بر حسب درخواست به متقاضیان شکار پستانداران و پرندگان و خزندگان وحشی و آبزیان قابل صید برای یک یا چند دسته یا مجموع آنها صادر می‌گردد. پروانه‌های ویژه برای شکار در پارک‌های ملی و مناطق حفاظت شده و قرق

ملکیت تابع مادر است و هرکس مالک مادر شد

مالک نتایج آن هم خواهد شد.»

14 - Article 528 de Code civil : « Sont meubles par leur nature les animaux et les corps qui peuvent se transporter d'un lieu à un autre, soit qu'ils se meuvent par eux-mêmes, soit qu'ils ne puissent changer de place que par l'effet d'une force étrangère. »

۱۵- نک به ماده ۵۲۱ قانون جزای جدید فرانسه.

۱۶- مطابق ماده ۲ آیین نامه اجرایی قانون حفاظت و

بهبودی محیط زیست مصوب ۱۳۵۴ (اصلاحی

۱۳۷۴) « پارک ملی به محدوده ای از منابع طبیعی

کشور اعم از جنگل و مرتع و بیشه های طبیعی و

اراضی جنگلی و دشت و آب کوهستان اطلاق

می شود که نمایانگر نمونه های برجسته ای از مظاهر

طبیعی ایران باشد و به منظور حفظ همیشگی وضع

زندگی و طبیعی آن و همچنین ایجاد محیط مناسب

برای تکثیر و پرورش جانوران وحشی و رشد

رستنی ها در شرایط کاملاً طبیعی تحت حفاظت قرار

می گیرد.»

۱۷- بنا بر ماده ۴ آیین نامه اجرایی قانون حفاظت و

بهبودی محیط زیست مصوب ۱۳۵۴ (اصلاحی

۱۳۷۴) «پناهگاه حیات وحش به محدوده ای از منابع

طبیعی کشور اعم از جنگل و مرتع و بیشه های طبیعی

و اراضی جنگلی و دشت و آب و کوهستان اطلاق

می شود که دارای زیستگاه طبیعی نمونه و شرایط

اقلیمی خاصی برای جانوران وحشی بوده و به منظور

حفظ و یا احیاء این زیستگاه ها تحت حفاظت قرار

می گیرد.»

۱۸- ماده ۵ آیین نامه اجرایی قانون حفاظت و بهبودی

محیط زیست مقرر می دارد « منطقه حفاظت شده به

محدوده ای از منابع طبیعی کشور اعم از جنگل و مرتع

و دشت و آب و کوهستان اطلاق می شود که از

اختصاصی و همچنین شکار حیوانات حمایت شده

صادر می شود. پروانه های انتفاعی بر حسب مورد

برای شکار و صید که جنبه حرفه ای یا کسب یا

تجارت داشته باشد و همچنین برای پرورش و تکثیر

و خرید و فروش و صدور حیوانات قابل شکار و

صید و اجزای آن صادر می شود. نک: به مواد ۱۷ تا

۲۱ آیین نامه اجرایی قانون شکار و صید.

۱۰- نک: ماده ۸ کنوانسیون سائیس.

۱۱- ماده ۶۷۵ مقرر می دارد: « هرکس عمداً عمارت یا

بنا یا کشتی یا هواپیما یا کارخانه یا انبار و بطور کلی

هر محل مسکونی یا معدن برای سکنی یا جنگل یا

خرمن یا هر نوع محصول زراعی یا اشجار یا مزارع یا

باغ های متعلق به دیگری را آتش بزند به حبس از دو

تا پنج سال محکوم می شود.

تبصره ۱- اعمال فوق در این فصل در صورتی که به

قصد مقابله با حکومت اسلامی باشد مجازات محارب را

خواهد داشت.

تبصره ۲- مجازات شروع به جرائم فوق شش ماه تا دو

سال حبس می باشد.»

۱۲- نک: ماده ۳۵۸ قانون مجازات اسلامی.

۱۳- مطابق ماده ۱۷ قانون مدنی « حیوانات و اشیائی که

مالک آن را برای عمل زراعت اختصاص داده باشد

از قبیل گاو و گاو میش و ماشین و اسباب و ادوات

زراعت و تخم و غیره و بطور کلی هر مال منقول که

برای استفاده از عمل زراعت لازم و مالک آن را به

این امر تخصیص داده باشد از جهت صلاحیت

محاکم و توقیف اموال جزو ملک محسوب و

در حکم مال غیر منقول است و همچنین است تلمبه

و گاو یا حیوان دیگری که برای آبیاری زراعت یا

خانه و باغ اختصاص داده شده است. »

ماده ۳۴ قانون مدنی مقرر می دارد: « نتایج حیوانات در

- ZGhavam, M.A. (1996). *Criminal Law of the Environment*. Tehran: Iran Department of Environment.
- Habibi, M.H. (2005). *Environment law*. Tehran: Entesharat Daneshgahe Tehran.
- Habibi, M.H. (2002). *Environment law 2*. Tehran: Entesharat Daneshgahe Tehran.
- Iran Department of Environment (2004). *Codes of Environment*. Tehran : Iran Department of Environment.
- Iran Department of Environment (2005). *the second report of the Environment status in Iran*. Tehran : Iran Department of Environment.
- Kiss, A. Ch. and J. P. Beurier (2004). *Droit international de l'environnement*. Paris : Pedone.
- Neuray, J.F. (2001). *Droit de l'environnement*. Bruxelles : Bruylant.
- Orol, O. (2005). *Le commerce illégal d'espèces sauvages - la perspective de l'Amérique du Nord*. Commission de coopération environnementale.
- Robinson, N. A. and L. Kurukulasuriya (2006). *Training Manual on International Environmental Law*. Nairobi : UNEP.
- Roche, C. (2001). *Droit de l'environnement*. Paris :Gualino.
- Romi, R. (2001). *Droit et administration de l'environnement*. Paris : Montchrestien.
- Taghizadeh Ansari, M. (1997). *Criminal Law of the Environment*. Tehran: Ghomes.



لحاظ ضرورت حفظ و تکثیر نسل جانوران وحشی یا حفظ و یا احیاء رستنی‌ها و وضع طبیعی آن دارای اهمیت خاصی بوده و تحت حفاظت قرار می‌گیرد.»

۱۹ - اصل ۱۰ اعلامیه ریو مقرر می‌دارد: «بهتر است که مسائل مربوط به محیط‌زیستی با مشارکت کلیه‌ی شهروندان ذیربط در سطحی مطلوب مورد بررسی قرار گیرد. در سطح ملی، هر فرد باید کاملاً به اطلاعاتی که مقامات عمومی در مورد محیط‌زیست در اختیار دارند، از قبیل اطلاعات مربوط به مواد و فعالیت‌های خطرناک در منطقه، دسترسی داشته باشند و در روند اتخاذ تصمیمات مشارکت نمایند. دولت‌ها باید، با دادن اطلاعات به مردم، حساسیت و مشارکت عموم را تسهیل و تشویق نمایند. دسترسی موثر به اقدامات و مراجع قضایی و اداری، از قبیل مجازات و جبران خسارت، باید تضمین گردد.»

۲۰ - تدوین مجموعه‌ای حجیم قریب ۱۰۰۰ صفحه تحت عنوان «مجموعه قوانین و مقررات حفاظت از محیط‌زیست ایران» توسط سازمان حفاظت محیط‌زیست گواهی بر صحت کثرت مقررات در این حوزه است.

منابع

- Despax, M. (1980). *Droit de l'environnement*. Paris : Librairies Techniques (LITEC).
- De Sadleir, N.(2004). *Droit international et communautaire de la biodiversité*. Paris : Dalloz.
- Firouz, E.(1999). *Wildlife*. Tehran : Markez Nashre Daneshgahi.
- Ghasemi, N. (2005). *Criminal Law of the Environment*. Tehran : Entesharat e jmalol Hagh.

